



اثر بخشی برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر میزان خلاقیت دانش آموزان مقطع ابتدایی شهر کرج

ریحانه صالح راد *

مریم افضل خانی **

وحیده علیپور ***

چکیده

بهره‌مندی مؤثر از فن آوری و رسانه‌ها، به‌ویژه در جامعه‌ی دانش‌آموزی به‌عنوان زیربنای توسعه انسانی ضروری به نظر می‌رسد. برای حرکت در محیط رسانه‌ای پیچیده‌ی امروز، باید قادر به درک بهتر پیام‌های رسانه‌ای باشیم. پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی شهر کرج صورت پذیرفته است. روش تحقیق از نوع نیمه‌آزمایشی و جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره پنجم ابتدایی شهر کرج در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ بود، که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند ۴۰ نفر از دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی مدرسه غیر دولتی پروین اعتصامی کرج انتخاب و به‌صورت تصادفی در دو گروه کنترل (۲۰ نفر) و آزمایش (۲۰ نفر) قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش، آزمون خلاقیت عابدی می‌باشد. پس از اجرای پیش‌آزمون بر روی هر دو گروه، آموزش به‌وسیله بسته‌ی آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای طی شش جلسه ۳۰ دقیقه‌ای بر روی گروه آزمایش اجرا گردید و گروه کنترل به‌دور از متغیر مستقل قرار گرفت. پس از اتمام آموزش از هر دو گروه، پس‌آزمون به عمل آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و استنباطی (تحلیل کواریانس) استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در متغیر خلاقیت و مولفه‌های خلاقیت، سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری معنی‌دار است. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش برتری خلاقیت دانش‌آموزانی را نشان داد که مطالب را از طریق بسته‌ی آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای دریافت کردند و همچنین نتایج حاکی از این بود که آموزش سواد رسانه‌ای باعث افزایش خلاقیت در مؤلفه‌های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری شده است.

واژگان کلیدی

برنامه آموزشی، سواد رسانه‌ای، خلاقیت، دانش‌آموزان

* کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران reihaneh.salehrad@gmail.com

** استادیار گروه علوم تربیتی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران afzalkhani_mr@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، ساری، ایران alipor.vahide@gmail.com

نویسنده مسؤول یا طرف مکاتبه: مریم افضل خانی

مقدمه

رشد و توسعه فن‌آوری‌های دیجیتال و اینترنت به شدت بر ادغام فن‌آوری دانش‌آموزان و به دست آوردن مهارت‌های بیشتری از آموزش و آمادگی کمک می‌کنند (Techataweewan & Prasertsin, 2018). به عبارت دیگر در عصر حاضر، فن‌آوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی امکانات جدیدی را برای توسعه جوامع در ابعاد مختلف فراهم کرده است که استفاده از قابلیت آن‌ها به مجموعه‌ای جدیدی از صلاحیت‌ها، مهارت‌ها، دانش و نگرش نیاز دارد (Al-Mamary, Shamsuddin, & Abdul Hamid, 2015). از طرفی تحولات فن‌آورانه، شیوه‌های آموزش و یادگیری را تغییر داده‌اند و دانش‌آموزان باید خود، به تجزیه و تحلیل اطلاعاتی بپردازند. این در حالی است که ارتباط نسل کنونی و به خصوص دانش‌آموزان با رسانه‌ها را نمی‌توان نادیده گرفت. ارتباطی که با حفظ کار با رسانه‌های سنتی، به سمت رسانه‌های نوین می‌رود. با دسترسی دانش‌آموزان به منابع مختلف در دنیای مجازی، عضویت آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی مجازی، جستجوهای اینترنتی و ده‌ها فعالیت ارتباطی دیگر، از سهم فیزیکی مرزهای مدرسه کاسته و بر مساحت مجازی آن، افزوده شده است (Niazi, zaraii zavaraki & Nili, 2016).

طبق ارزش‌گذاری یونسکو، سواد رسانه‌ای به عنوان یک قابلیت به شهروندان اجازه می‌دهد تا با رسانه و دیگر ارائه‌دهندگان اطلاعات، به طور مؤثر به تعامل بپردازند و خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های آموزش مادام‌العمر برای زندگی اجتماعی و تبدیل شدن به یک شهروند فعال را گسترش دهند (Wilson, 2012, 17). یافته‌های برخی از پژوهش‌ها، رابطه میان سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی با خلاقیت و تفکر انتقادی را تأیید می‌کند (Singh, 2012, 29).

یافته‌های پژوهشی نشان دادند که آموزش سواد رسانه‌ای به افزایش خلاقیت، تفکر خلاق و آگاهی می‌انجامد. برای مثال (Niazi, zaraii zavaraki & Nili, 2016) تأثیر برنامه آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات بر میزان آگاهی دانش‌آموزان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج به دست آمده نشان داد که آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات باعث افزایش میزان آگاهی دانش‌آموزان از سواد رسانه‌ای شده است. نتایج پژوهش‌های (Badele, 2018, Shin, Kim, Lee and Bian, 2012, Gabora, 2017, Jauk, Benedek, Dunst & Neubauer, 2013)، بیانگر نقش مثبت استفاده از فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش سواد رسانه‌ای و افزایش آگاهی در ارتباط با مؤلفه‌های اساسی سواد رسانه‌ای بود.

امروزه رسانه‌ها ما را از هر سو احاطه کرده‌اند. فضای پیرامونی، سرشار از اطلاعات و اخبار جدیدی است که هر لحظه بر زندگی ما تأثیر می‌گذارند. در چنین فضایی، سواد رسانه‌ای کمک می‌کند تا چگونگی استفاده از رسانه‌ها و منابع اطلاعاتی آن‌ها را یاد بگیریم. یونسکو سواد اطلاعاتی را به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر که برای توسعه ملی، رفاه شهروندی، اقتصادی و استانداردهای آموزشی ضروری است، تأیید کرده است. سواد اطلاعاتی بر اهمیت دسترسی، ارزیابی و استفاده از اطلاعات، تأکید دارد و دامنه‌ی آن به همه نوع اطلاعات و محتوایی گسترش یافته است؛ اما سواد رسانه‌ای بر توانایی فهمیدن، ارزیابی و به کار بردن رسانه‌ها تأکید دارد؛ بنابراین، در فرایند گسترش شاخه‌ای این دو نوع سواد، یونسکو سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای را با هم به عنوان سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی در نظر گرفته است (Moeller, Joseph, Lau, & Carbo, 2011). همچنین یونسکو در سی و چهارمین جلسه کنفرانس عمومی خود در سال ۲۰۰۷، مدیران کل خود را به حمایت بیشتر از سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی با هدف ارائه‌ی فرصت به کاربران برای قضاوت آگاهانه در خصوص رسانه و منابع اطلاعاتی و گسترش مشارکت مدنی در رسانه‌ها، دعوت کرد. از طرفی یکی از چالش‌های نظام آموزش و پرورش در ایران این است که دانش‌آموزان اطلاعات خود را به صورت انفعالی دریافت می‌کنند. امروزه در آموزش و پرورش ما آموخته‌های دانش‌آموزان سطحی است، تعمق و تفکر در شیوه‌های یاددهی و یادگیری بسیار اندک است. طبق ارزش‌گذاری یونسکو، سواد رسانه‌ای و اطلاعاتی به عنوان یک قابلیت به شهروندان اجازه می‌دهد تا با رسانه و دیگر ارائه‌دهندگان اطلاعات، به طور مؤثر به تعامل بپردازند و تفکر انتقادی و مهارت‌های آموزش مادام‌العمر برای زندگی اجتماعی و تبدیل شدن به یک شهروند فعال را گسترش دهند. (Wilson et al., 2013).

این در حالی است که دانش‌آموزان برای اینکه خوب تربیت شوند و در آینده افرادی مفید باشند، باید خلاق، نقاد و دارای بینش علمی و آزادی اندیشه باشند. در برنامه‌های مدارس باید روش‌هایی گنجانده شود که از طریق آن، دانش‌آموزان قابلیت‌های چگونه‌آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و سواد رسانه‌ای شناخت عمیقی از آنچه در فضای رسانه‌ای می‌گذرد به ما می‌دهد (Dondlinger & Wilson, 2012) و یکی از راهبردهایی که می‌تواند دانش‌آموزان را در این

مسیر قرار دهد، استفاده از راهبرد سواد رسانه‌ای است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز به وضوح به آن تأکید شده است.

خلاقیت و نوآوری، یکی از عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت‌های ذهنی آدمی است که تعلیم و تربیت باید به آن توجه نماید. از آنجایی که آموزش و پرورش وظیفه‌ی تعلیم و تربیت فرزندان آینده‌سازان جامعه را برعهده دارد، باید از یک سو، وظیفه‌ی فراهم آوردن زمینه‌ی رشد و پرورش خلاقیت و نوآوری و استفاده‌ی صحیح و جهت‌دار از استعدادها و توانایی‌های افراد را برعهده بگیرد، از سوی دیگر، برای پویایی خود، نیازمند پرورش و بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری در سطح سازمانی می‌باشد (Khazaei & Jalilian, 2014). در واقع خلاقیت یا آفرینندگی، پدیده‌ای است ذهنی که از کاربرد فرآیندهای شناختی معمول حاصل می‌شود. اگرچه خلاقیت، نتیجه فرآیندهای شناختی است؛ اما تعاملات اجتماعی-اقتصادی و محیط بر توقف یا تقویت آن تأثیر می‌گذارد (Shin, Kim, Lee and Bian, 2012). به عبارت دیگر، یکی از عناصر تأثیرگذار بر خلاقیت، محیط آموزشی است و دومین مؤلفه رویکرد ساختن‌گرایی یا سازنده‌گرایی^۱ است. این رویکرد، ریشه در اندیشه‌های علمی و فلسفی دانشمندانی چون پیازه، ویگوتسکی، روان‌شناسان گشتالتی، برونر و به ویژه جان دیوئی دارد؛ که بر نقش فعال یادگیرنده در درک و فهم و ساختن دانش تأکید کرده و نقش خلاقیت یادگیرنده را پررنگ نموده‌اند؛ به طوری که طبق این رویکرد، ساخت‌های پیچیده‌ی ذهنی به طور فعال توسط فرد در ذهن او ساخته می‌شود؛ نه این که از بیرون به درون ذهن راه یابد (Udo, Bagchi & Kirs, 2011).

خلاقیت؛ کیفیت انتزاعی است که اشاره به تفکر بالا، درک عمق دانش، کنترل، تعامل و خودتنظیمی دارد (Noorozi et al, 2014). در واقع تغییر جهت نظام‌های آموزشی از ارائه برنامه‌های صرفاً آموزشی به سوی برنامه‌های تربیت تفکر خلاق با تغییر محتوا و روش‌های آموزش همراه بوده است. حتی برخی کار اصلی تعلیم و تربیت را پرورش خلاقیت می‌دانند (Fisher, 2005). صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، پژوهشگران و دست‌اندرکاران آموزش سواد رسانه‌ای، دوره جوانی و کودکی را زمانی مناسب برای پرورش خلاقیت می‌دانند. از این رو، آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی ضرورتی دوچندان می‌یابد. هرچند که تجربه آموزش سواد رسانه‌ای، در عمر نه‌چندان طولانی خود مراحل مختلفی در سایر کشورها پشت سر گذاشته و

تحقیقاتی در این زمینه انجام شده اما در همه موارد چه در زمینه آموزش و چه در زمینه پژوهش از یک روش استفاده نگردیده است. در هر کشور نوع روش آموزشی و محتوا، تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های نظام آموزشی آن کشور قرار دارد. در برخی کشورها، تمرکز روی مهارت کار با رسانه‌ها، تسلط فن آوران و کم کردن شکاف دیجیتالی است. در برخی به‌ویژه در کشورهای با تنوع فرهنگی و مهاجرپذیر از آموزش سواد رسانه‌ای برای آموزش زبان، هنر، آموزش شهروندی و تطابق فرهنگی بهره می‌گیرند.

جنبش آموزش سواد رسانه‌ای در کشورهای مختلف به راه افتاده است و ما در این زمینه با تأخیر روبه‌رو هستیم. هرچند که همه شهروندان به آموزش سواد رسانه‌ای نیاز دارند، اما دانش‌آموزان از مخاطبان اصلی آن هستند. بهره‌مندی مؤثر از رسانه‌ها و فن آوری به‌ویژه در جامعه دانش‌آموزی به‌عنوان زیربنای توسعه انسانی ضروری است. بیانیه‌ی یونسکو در زمینه‌ی آموزش و پرورش، بر فهم انتقادی محیط رسانه‌ای که ما را فرا گرفته در جهت افزایش اصول شهروندی و مشارکت اجتماعی تأکید می‌کند و در سال‌های اخیر نیز، توجه زیادی به آموزش سواد رسانه‌ای به‌ویژه در کشورهای اروپایی شده است (Brian, 2008). نهاد تعلیم و تربیت وظیفه دارد ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی، رسالت تربیتی خود را به‌درستی انجام دهد. یکی از این نیازها، آموزش سواد رسانه‌ای است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) نیز بر آن تأکید شده است. در این سند بر ترویج و تعمیق سواد رسانه‌ای و زمینه‌سازی برای بهره‌برداری مناسب از محیط نوظهور یادگیری تأکید شده است. با توجه به وابستگی مخاطبان به رسانه‌ها و فرآورده‌های رسانه‌ای، داشتن توانایی و قدرت تجزیه و تحلیل، تشخیص، درک و انتخاب پیام رسانه‌ای و همچنین مقاوم‌سازی آنان در برابر نفوذهای ناشی از قدرت رسانه‌ها، ضرورت پیدا می‌کند (Dehghan shad & Mahmoodi, 2012).

سطح‌نه‌چندان مطلوب سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان (Taghizade, 2011) در دنیای رسانه‌های امروز به‌عنوان دغدغه جدی در نظام آموزشی کشور مطرح است. در کشورهای مختلف از طریق آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس تلاش می‌شود توانایی‌های دانش‌آموزان در زمینه سواد رسانه‌ای ارتقاء داده شود و در برخی کشورها نیز، آموزش سواد رسانه‌ای به‌صورت کتاب درسی تدریس می‌گردد. اما در کشور ما کار عملی خاصی در این خصوص انجام نگردیده است (Toloei, 2012; Chaboki & Bahonar, 2013).

نصیری (2011) در رساله دکتری خود با عنوان نقش سواد رسانه‌ای در نظام آموزش و پرورش به این نتیجه رسید که یکی از راه‌های کاهش اثرات مخرب رسانه‌ها، آموزش سواد رسانه‌ای و تقویت آن است که کشورهایی همچون کانادا و ژاپن سال‌ها در این زمینه پژوهش و برنامه‌ریزی کرده‌اند. رادمنش، جمشیدیان و رجایی‌پور (2016) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین سواد اطلاعاتی و میزان خلاقیت دبیران آموزش و پرورش دبیران دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی با روش تحقیق توصیفی - همبستگی انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین سواد اطلاعاتی با میزان خلاقیت دبیران، رابطه‌ی معنادار وجود دارد. هم‌چنین بین مؤلفه‌های سواد اطلاعاتی نیز با میزان خلاقیت، رابطه‌ی معنادار وجود دارد.

صلواتیان، حسینی و متجدی (2016) پژوهشی تحت عنوان طراحی الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان انجام دادند. برای این منظور، از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استفاده شد. با مطالعه وسیع الگوها و راهکارهای کشورهای مختلف در آموزش سواد رسانه‌ای و انجام پانزده مصاحبه با مدیران ارشد سازمان صدا و سیما، اساتید ارتباطات، برنامه‌ریزان آموزشی و معلمان آموزش سواد رسانه‌ای، داده‌های لازم گردآوری و در سه مرحله کدگذاری باز، محور و گزینشی گردید. یافته‌های تحقیق نشان داد که در الگوی بومی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان در ایران، دو نهاد آموزش و پرورش و صدا و سیما، نقش بسزایی در آموزش سواد رسانه‌ای ایفا می‌کنند.

سلیمان، خسروی و حداد (2013) نیز در پژوهش خود با عنوان ارزیابی سواد رسانه‌ای دانشجویان و دانش‌آموزان شهر تهران، نشان دادند که رابطه معنادار میان سن و جنس با میزان سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان و دانشجویان وجود دارد. تقی‌زاده (2014) به بررسی نقش دوره آموزش سواد رسانه‌ای بر توانایی پردازش پیام‌های رسانه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه پرداخته است. نتایج در مرحله نیازسنجی نشان داد: بومی‌سازی و ورود آموزش سواد رسانه‌ای به مدارس، منجر به توانمندسازی دانش‌آموزان در استفاده بخردانه از رسانه‌ها، حفظ و تقویت هویت خواهد شد. همچنین نتایج نشان داد که، دانش‌آموزان شرکت‌کننده در دوره آموزش سواد رسانه‌ای نسبت به دانش‌آموزان گروه کنترل، با ۹۹ درصد اطمینان در مهارت‌های استفاده از رسانه‌ها، ارزیابی و تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، توانایی تولید و ارسال پیام‌های رسانه‌ای، تفکر انتقادی در استفاده از رسانه‌ها در سطح بالاتری قرار گرفتند.

فقیه و ابراهیمی (2017) در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی با مهارت‌های فراشناختی و خلاقیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، نشان دادند که بین سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی با مؤلفه‌های خلاقیت یعنی؛ سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط، رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد.

نتایج تحقیق Phang (2005) نشان داد افرادی که در دوره‌های سواد رسانه‌ای شرکت کرده بودند، میزان آگاهی و تفکر انتقادی بالاتری نسبت به افرادی که دوره‌های مذکور را شرکت نکرده بودند داشتند. این تحقیق همچنان نشان داد که در مجموع سواد رسانه‌ای افراد شرکت کننده در دوره آموزشی سواد رسانه‌ای در سطح بالا قرار دارد و در مقابل سواد رسانه‌ای کسانی که در این زمینه آموزش ندیده‌اند، در سطح پایینی قرار دارد. نتایج رساله دکتری به‌عنوان تلافی برنامه سواد رسانه‌ای با تفکر انتقادی در یک کلاس دبیرستان تولیدات تلویزیونی که توسط Thayer (2006) انجام شد، نشان داد: تفکر انتقادی می‌تواند تعلیم داده شود و بر توسعه تفکر و نوشتار انتقادی دانش آموزان تأثیر داشته باشد. شواهد آماری نشان داد هنگامی که مداخله ده هفته‌ای سواد رسانه‌ای در کلاس اجرا شد، دانش آموزان درباره مهارت‌های تفکری و نوشتاری مربوط به تفکر انتقادی بهتر فکر کردند. این پژوهش نشان داد که رشد بدنه تفکر انتقادی می‌تواند توسط یک راهبرد یادگیری خاص مانند سواد رسانه‌ای، حاصل گردد. Wood (2009) در پژوهش خود تحت عنوان آموزش سواد رسانه‌ای، ارزیابی آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس راهنمایی و دبیرستان کولورادو نشان داد که دانش آموزان گروه سواد رسانه‌ای مورد بررسی، از گروه کنترل، در درک خواندن مطلب، درک دیداری و نیز فهم پاراگراف‌های بلند، امتیاز بیشتری گرفتند و در خصوص مهارت‌های نوشتاری، اشتباه هجی کردن کمتری داشتند.

Serafin (2011) در پژوهش خود نحوه پردازش پیام‌های رسانه‌ای را در زمینه‌های مرتبط با تبلیغات، بین دانش آموزان شرکت کننده در دوره آموزش سواد رسانه‌ای و دانش آموزان شرکت نکرده بررسی کرد. بر اساس نتایج این پژوهش، دانش آموزان گروه آزمایش پس از پنج هفته که در دوره‌ی آموزشی شرکت کردند، نسبت به مصرف تبلیغاتی خود و آگاهی از تکنیک‌های به کار رفته در تبلیغات، به طور معناداری در سطح بالاتری نسبت به گروه کنترل قرار داشتند. Sur (2014) در پژوهش خود به بررسی نیازهای آموزشی سواد رسانه‌ای در کلاس‌های درس مدارس ترکیه پرداختند. مصاحبه آن‌ها با معلمان سواد رسانه‌ای، نشان داد آن‌ها از یک مقیاس سواد

رسانه‌ای برای اندازه‌گیری سطح سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان استفاده می‌کنند. همچنین نگرش‌های دانش‌آموزان را نسبت به سواد رسانه‌ای می‌سنجند. از سویی محتوای آموزشی کافی اما میزان فعالیت‌ها ناکافی بود. همچنین میزان درک دانش‌آموزان از رسانه‌ها نسبت به قبل از دوره آموزشی از دید معلمان معنادار بود. Lee (2015) در پژوهشی با عنوان درک و توسعه سواد رسانه‌ای اظهار داشتند با توجه به توسعه و گسترش سریع فن‌آوری جدید به بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره ما، استفاده از فن‌آوری‌های جدید نیازمند بهره‌گیری از سواد رسانه‌ای مناسب و همسو با آن است. داده‌های جمع‌آوری شده از ۵۷۴ دانش‌آموز سنگاپوری ۱۰ تا ۱۷ ساله نشان داد که حد سواد رسانه‌ای آنان در وضعیت مطلوبی قرار داشته است. Koc & Barut (2016) پژوهشی با عنوان اعتبارسنجی مقیاس سواد رسانه‌ای برای دانشجویان انجام دادند. نمونه پژوهش ۱۲۲۶ دانشجوی یک دانشگاه دولتی در ترکیه بوده‌اند که برای اعتبارسنجی مقیاس مورد نظر انتخاب شده‌اند. از تحلیل عاملی اکتشافی و تاییدی در تجزیه و تحلیل و ضرایب همسانی درونی، همبستگی آیتم‌ها استفاده شد و در نهایت روایی و پایایی مقیاس مورد تایید قرار گرفت.

با توجه به یافته‌های ذکر شده، می‌توان گفت که سهم یافته‌های پژوهشی داخلی به‌خصوص در حوزه سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان اندک است. پژوهش‌های صورت گرفته تاکنون، بیشتر بر جامعه دانشجویی تمرکز کرده و به بررسی وضعیت سواد رسانه‌ای دانشجویان پرداخته‌اند و جای پژوهش زیربنایی در مدارس مخصوصاً دوره ابتدایی، خالی است. این در حالی است که بررسی نقش آموزش سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان ضرورت اجتناب‌ناپذیر کشور است، از طرفی با توجه به شکل‌گیری روش‌های نوین آموزشی که مبتنی بر فن‌آوری‌های نوین آموزشی می‌باشد، تاکنون پژوهشی در این زمینه در مقطع ابتدایی به‌طور مشخص در کشور انجام نشده است، تا بر پایه نتایج آن گام‌های علمی و عملی برای ارتقاء سواد رسانه‌ای برداشته شود. از این رو پژوهش حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا آموزش مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی شهر کرج تأثیر دارد؟

روش

جامعه‌ی آماری این پژوهش را کلیه دانش‌آموزان دختر پایه‌ی پنجم مقطع ابتدایی شهر کرج که در سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶ در مدارس این شهر مشغول به تحصیل می‌باشند، تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه پژوهش از روش نمونه‌گیری هدف‌مند استفاده شد، به این صورت که ۴۰ نفر از دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی مدرسه غیر دولتی پروین اعتصامی که تجربه کار با رایانه و فن آوری در مدرسه را داشتند، انتخاب و به صورت کاملاً تصادفی به دو گروه کنترل و آزمایش تقسیم شدند. روش نمونه‌گیری هدف‌مند از این جهت استفاده شد که اجرای دوره آموزش سواد رسانه‌ای مبتنی بر فن آوری بود و این دوره تنها در مدارس که امکانات فن آوری دارند (مدارس هوشمند)، امکان‌پذیر بود.

پروتکل محتوای روش اجرا:

مبنای این برنامه آموزشی مدل آموزش «مرکز سواد رسانه‌ای» که وجه اشتراک بسیاری با مدل‌های دیگر از جمله مفاهیم سواد رسانه‌ای انتقادی یونسکو (2011)، مدل آموزش سواد رسانه‌ای ایالت انتاریو کانادا، نظریه تامن، نظریه هابز و نظریه یونس شکرخواه که جزء پیش‌تازان سواد رسانه‌ای در ایران محسوب می‌شود، استفاده شد. برای تهیه محتوای مناسب دوره آموزش سواد رسانه‌ای از مدل آموزش سواد رسانه‌ای «مرکز سواد رسانه‌ای» استفاده شد. تعداد جلسات، موضوع، هدف و شرح متخصری از برنامه آموزشی در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. اجرای برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای

جلسه	موضوع	هدف
اول	ارتباط، عناصر ارتباط، رسانه و انواع آن	تعریف ارتباط و عناصر آن، معرفی کردن رسانه، انواع رسانه و نقش آن‌ها در زندگی.
دوم	همه پیام‌های رسانه‌ای ساخته می‌شوند	آشنایی مقدماتی با موضوع سواد رسانه‌ای و در ادامه، توضیح این که همه‌ی پیام‌های رسانه‌ای ساخته می‌شوند.
سوم	رسانه‌ها دربردارنده‌ی پیام‌های ایدئولوژیکی و ارزشی هستند (هدف)	آشنایی دانش‌آموزان باهدف تولیدکنندگان پیام‌های رسانه‌ای.
چهارم	افراد مختلف، پیام مشابه رسانه‌ها را به شکل‌های مختلف تجربه می‌کنند (مخاطب)	آشناکردن دانش‌آموزان به اینکه ممکن است افراد مختلف یک پیام رسانه‌ای را به صورت مختلف تجربه و تفسیر کنند.
پنجم	رسانه‌ها منافع خاص، تجاری، ایدئولوژیکی و سیاسی دارند (محتوا)	آشنا کردن دانش‌آموزان با محتوای رسانه‌ها.

ابزار گردآوری اطلاعات

الف) پرسش‌نامه خلاقیت عابدی:

آزمون خلاقیت شامل ۶۰ سوال می‌باشد که نمره‌گذاری آن به صورت مقیاس لیکرتی سه نمره‌ای (کم=۱، متوسط=۲، بالا=۳) است. این آزمون بر پایه نظریه تورنس درباره خلاقیت ساخته شده و خلاقیت را در چهار بُعد سیالی، انعطاف‌پذیری، بسط و ابتکار می‌سنجد، جمع نمرات در چهار مؤلفه نمره‌ی کل خلاقیت آزمودنی را تشکیل می‌دهد. از ۶۰ سوال این آزمون، ۲۲ ماده به بخش سیالی از ۱ تا ۲۲ با دامنه‌ای از ۲۲ تا ۶۶، ۱۱ ماده به بخش بسط از ۲۳ تا ۳۳ با دامنه‌ای از ۱۱ تا ۳۳، ۱۶ ماده به بخش ابتکار از ۳۴ تا ۴۹ با دامنه‌ای از ۱۶ تا ۴۸ و ۱۱ ماده به بخش انعطاف‌پذیری از سؤال ۵۰ تا ۶۰ با دامنه‌ای از ۱۱ تا ۳۳ اختصاص یافته است. دامنه نمره کلی خلاقیت بین صفر تا ۱۲۰ می‌باشد و نمره زیر ۵۰ خلاقیت بسیار کم، نمره بین ۵۰ تا ۷۵ خلاقیت کم، نمره بین ۷۵ تا ۸۵ خلاقیت متوسط، نمره بین ۸۵ تا ۱۰۰ خلاقیت زیاد و نمره بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ خلاقیت بسیار زیاد تلقی می‌شود. عابدی ضریب پایایی چهار بعد مذکور را که از طریق روش بازآزمایی به دست آورده بود به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴ و ۰/۸۰. گزارش نمود. همچنین Behpajoh et al (2010) پایایی این آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تصنیف مورد بررسی قرار داد و به ترتیب ضریب‌های ۰/۸۲ و ۰/۸۳ را به دست آورد.

برای بررسی روایی از نظرات صاحب‌نظران استفاده شد. به عبارت دیگر روایی محتوایی پرسش‌نامه با استفاده از شاخص نسبت روایی محتوایی^۱ و شاخص روایی محتوایی^۲ محاسبه شد که نشان‌دهنده روایی مناسب پرسش‌نامه بود. همچنین پایایی کل پرسش‌نامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و پایایی مؤلفه‌های سیالی ۰/۸۵، بسط ۰/۸۳، ابتکار ۰/۸۹ و انعطاف‌پذیری ۰/۷۹ محاسبه گردید.

روش اجرای پژوهش:

پس از اتمام طراحی و تدوین برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای، توسط پژوهشگر و تائید اساتید و اخذ مجوز و معرفی‌نامه آموزش و پرورش کرج، مدرسه غیر دولتی ابتدایی دخترانه پروین اعتصامی انتخاب گردید. پس از هماهنگی‌های به‌عمل آمده با مدیر مدرسه و در میان گذاشتن موضوع مورد پژوهش و شیوه‌ی اجرا، پیش‌آزمون به اجرا درآمد.

پس از اجرای پیش‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل از میان آزمودنی‌ها به صورت تصادفی انتخاب گردید. پس از مشخص شدن گروه‌ها، اجرای آموزش آغاز شد و در طی شش جلسه ۳۰ دقیقه‌ای آزمودنی‌های گروه آزمایش توسط برنامه‌آموزشیمبتنیبرسواد رسانه‌ای، مؤلفه‌های مهارت‌های سواد رسانه‌ای را آموزش دیدند. پس از اینکه آموزش به پایان رسید سؤالات پس‌آزمون در اختیار گروه کنترل و آزمایش قرار گرفت تا میزان تغییرات حاصله مشخص گردد. مبنای این برنامه آموزشی مدل آموزش «مرکز سواد رسانه‌ای» که وجه اشتراک بسیاری با مدل‌های دیگر از جمله مفاهیم سواد رسانه‌ای انتقادی یونسکو (2011)، مدل آموزش سواد رسانه‌ای ایالت انتاریو کانادا، نظریه تامن، نظریه هابز و نظریه یونس شکرخواه که جزء پیش‌تازان سواد رسانه‌ای در ایران محسوب می‌شود، استفاده شد. برای تهیه محتوای مناسب دوره آموزش سواد رسانه‌ای از مدل آموزش سواد رسانه‌ای «مرکز سواد رسانه‌ای» استفاده شد.

یافته‌ها

در تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش استفاده شد:

تحلیل توصیفی:

آمار توصیفی، که شامل جداول میانگین و انحراف معیار به تفکیک پیش‌آزمون و پس‌آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل و کل نمونه می‌باشد. در این بخش میانگین و انحراف معیار متغیرهای وابسته پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی نمونه‌ی تحقیق در دو گروه آزمایش و کنترل

گروه	شاخص‌های آماری	
	فراوانی	درصد
آزمایش	۲۰	۵۰
کنترل	۲۰	۵۰
کل	۴۰	۱۰۰

همان‌طور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود تعداد حجم نمونه در هر ۲ گروه مورد مطالعه ۲۰ نفر می‌باشد. در کل حجم نمونه ۴۰ نفر می‌باشد.

جدول ۳. میانگین و انحراف معیار متغیر خلاقیت در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه

کنترل			آزمایش							
پس‌آزمون		پیش‌آزمون	پس‌آزمون		پیش‌آزمون					
انحراف میانگین	معیار تعدیل شده	انحراف میانگین	انحراف میانگین	معیار تعدیل شده	انحراف میانگین	معیار				
۱۱۰/۲۴	۵/۶۸	۱۰۹/۱۵	۵/۵۴	۱۰۶/۳۵	۱۱۸/۸۰	۳/۹۱	۱۱۹/۹۰	۳/۶۰	۱۰۸/۵۵	خلاقیت

همان‌طور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، میانگین و انحراف معیار پیش‌آزمون متغیر خلاقیت در گروه آزمایش به ترتیب ۱۰۸/۵۵ و ۳/۶۰ و در گروه کنترل ۱۰۶/۳۵ و ۵/۵۴ بوده است. میانگین و انحراف معیار پس‌آزمون این متغیر در گروه آزمایش ۱۱۹/۴۰ و ۳/۹۱ و در گروه کنترل ۱۰۹/۱۵ و ۵/۶۸ بوده است.

جدول ۴. میانگین و انحراف معیار متغیر مؤلفه‌های خلاقیت در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه

کنترل			آزمایش				
پس‌آزمون		پیش‌آزمون	پس‌آزمون		پیش‌آزمون		
انحراف میانگین	میانگین	انحراف میانگین	انحراف میانگین	میانگین	انحراف میانگین	میانگین	
معیار تعدیل شده		معیار	معیار	تعدیل شده	معیار	معیار	
۳۱/۷۵	۲/۹۸	۳۱/۵۵	۳/۱۱	۳۱/۱۵	۳۵/۰۴	۲/۲۴	۳۵/۲۵
۲۱/۳۳	۲/۹۸	۲۱/۲۵	۲/۸۶	۲۰/۲۵	۲۳/۴۶	۳/۰۳	۲۳/۵۵
۳۷/۵۲	۲/۰۲	۳۷/۰۰	۱/۸۷	۳۶/۴۵	۳۹/۵۲	۱/۶۶	۴۰/۰۵
۱۹/۶۰	۱/۶۹	۱۹/۳۵	۱/۷۳	۱۸/۵۰	۲۰/۷۹	۱/۳۵	۲۱/۰۵
							سیالی
							بسط
							ابتکار
							انعطاف‌پذیری

آزمون فرضیه‌های تحقیق:

طرح این پژوهش پیش‌آزمون پس‌آزمون با گروه کنترل بود که به این دلیل برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل کوواریانس برای تعدیل اختلافات اولیه (کنترل آماری اختلافات اولیه) گروه آزمایش و گروه کنترل استفاده شد. قبل از اجرای آزمون (کوواریانس)، ابتدا باید به بررسی پیش‌فرض‌های آن پرداخت. بنابراین ابتدا پیش‌فرض‌های انجام این آزمون بررسی شد. در ذیل نتایج این بررسی‌ها ارائه شده است:

پیش‌فرض فاصله‌ای بودن داده‌ها: داده‌های به دست آمده در متغیرهای وابسته دارای مقیاس فاصله‌ای هستند. پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها: برای اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها آزمون کولموگروف-اسمیرنوف مورد استفاده قرار گرفت. پیش‌فرض همگنی / برابری واریانس‌ها: برای اطمینان از برابری واریانس‌ها در توزیع داده‌ها از آزمون لون استفاده شد است. پیش‌فرض همگنی شیب خط رگرسیون: برای اطمینان از همگنی شیب خط رگرسیون از آزمون واریانس استفاده شد. پیش‌فرض برابری ماتریس‌های واریانس-کوواریانس: برای اطمینان از برابری ماتریس‌های واریانس-کوواریانس از آزمون ام‌باکس استفاده شد.

فرضیه اصلی پژوهش: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی تأثیر دارد.

جدول ۵. آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن متغیر خلاقیت

متغیر	گروه‌ها	آزمون	آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
خلاقیت	آزمایش	پیش آزمون	۰/۱۵	۲۰	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۴	۲۰	۰/۲۰
کنترل	کنترل	پیش آزمون	۰/۱۱	۲۰	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۶	۲۰	۰/۱۸

همان‌طور که جدول شماره ۵ مشاهده می‌شود، مفروضه‌ی نرمال بودن در متغیر خلاقیت در دو گروه با سطح معناداری بزرگتر از 0.05 ($p > 0.05$) تأیید شد.

جدول ۶. آزمون F لوین برای بررسی مفروضه یکسانی واریانس‌های خطا در دو گروه مورد مطالعه

متغیرها	شاخص‌های آماری		
	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	F
خلاقیت	۱	۲۸	۰/۰۰۱
سطح معناداری			۰/۹۹

در جدول شماره ۶ نتیجه‌ی آزمون لوین جهت بررسی مفروضه‌ی همگنی واریانس‌های خطا آورده شده است. براساس نتایج مندرج، مفروضه‌ی همگنی واریانس‌ها با سطح معنی‌داری 0.99 برای متغیر خلاقیت تأیید شد. ($p > 0.05$).

جدول ۷. آزمون واریانس برای بررسی شیب رگرسیون در دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری
گروه	۰/۷۵	۱	۰/۳۶	۰/۵۵
پیش آزمون	۶۹۷/۳۹	۱	۳۳۱/۵۶	۰/۰۰۱
پیش آزمون* گروه	۰/۰۳	۱	۰/۰۱۴	۰/۹۰
خطا	۷۵/۷۲	۳۶		
کل	۵۲۶۷۰/۱۰۰	۴۰		

همان‌طور که جدول شماره ۷ نشان می‌دهد، آزمون واریانس برای بررسی شیب رگرسیون در جهت‌گیری ($\text{sig} = 0.90$ ، $F = 0.014$) تأیید شد. ($p > 0.05$).

جدول ۸. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای مقایسه متغیر خلاقیت بین دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آزمون
مدل تصحیح شده	۱۹۸۶/۲۲	۲	۴۸۵/۰۸	۰/۰۰۱	۰/۹۶	۱/۰۰
ثابت	۳/۶۵	۱	۱/۷۸	۰/۱۸	۰/۰۴	۰/۲۵
پیش آزمون	۸۳۰/۶۰	۱	۴۰۵/۷۰	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۱/۰۰
گروه	۶۹۱/۰۰	۱	۳۳۷/۵۲	۰/۰۰۱	۰/۹۰	۱/۰۰
خطا	۷۵/۷۵	۳۷				
کل	۵۲۶۷۰/۱۰۰	۴۰				

با توجه به نتایج جدول ۸، $(F=۳۳۷/۵۲ P<۰/۰۱)$ ، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در متغیر خلاقیت معنی‌دار است؛ میانگین تعدیل شده‌ی این متغیر در گروه آزمایش ۱۱۸/۸۰ و در گروه کنترل ۱۱۰/۲۴ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر برنامه‌ی سواد رسانه‌ای در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی مؤثر بوده است. با توجه به اندازه اثر، ۹۰ درصد از تغییرات متغیر خلاقیت توسط برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای تبیین می‌شود.

فرضیه فرعی پژوهش: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر مؤلفه‌های خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری) دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی تأثیر دارد.

جدول ۹. آزمون کولموگروف اسمیرنوف برای بررسی مفروضه‌ی نرمال بودن مؤلفه‌های خلاقیت

متغیر	گروه‌ها	آزمون	آماره	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
سیالی	آزمایش	پیش آزمون	۰/۱۳	۲۰	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۳	۲۰	۰/۲۰
	کنترل	پیش آزمون	۰/۲۲	۲۰	۰/۰۷
		پس آزمون	۰/۱۸	۲۰	۰/۰۶۶
بسط	آزمایش	پیش آزمون	۰/۲۱	۲۰	۰/۰۷۵
		پس آزمون	۰/۱۴	۲۰	۰/۲۰
	کنترل	پیش آزمون	۰/۲۵	۲۰	۰/۰۵۵
		پس آزمون	۰/۱۸	۲۰	۰/۰۵۲
ابتکار	آزمایش	پیش آزمون	۰/۱۴	۲۰	۰/۲۰
		پس آزمون	۰/۱۸	۲۰	۰/۰۶۲
	کنترل	پیش آزمون	۰/۱۸	۲۰	۰/۰۸۸
		پس آزمون	۰/۱۵	۲۰	۰/۲۰
انعطاف‌پذیری	آزمایش	پیش آزمون	۰/۲۲	۲۰	۰/۰۵۱
		پس آزمون	۰/۲۰	۲۰	۰/۲۰
	کنترل	پیش آزمون	۰/۱۱	۲۰	۰/۰۵۸
		پس آزمون	۰/۱۳	۲۰	۰/۲۰

همان‌طور که جدول ۹، نشان می‌دهد مفروضه‌ی نرمال بودن در مؤلفه‌های خلاقیت در دو گروه با سطح معناداری بزرگتر از ۰/۰۵ ($p > 0.05$) تأیید شد.

جدول ۱۰. آزمون واریانس برای بررسی شیب رگرسیون در دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری
سیالی	۲/۶۰	۲	۲/۸۲	۰/۰۷
پیش	۰/۱۵	۲	۰/۰۷	۰/۹۳
آزمون* گروه				۰/۳۰
ابتکار	۱/۴۰	۲	۱/۲۴	۰/۳۰
انعطاف‌پذیری	۰/۸۲	۲	۱/۴۳	۰/۲۵

همان‌طور که جدول شماره ۱۰ نشان می‌دهد، آزمون واریانس برای بررسی شیب رگرسیون در هر ۴ مؤلفه‌ی خلاقیت با سطح معنی‌داری بزرگتر از ۰/۰۵ ($p > 0.05$) تأیید شد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون کواریانس چندمتغیری برای مقایسه میانگین نمرات دو گروه آزمودنی در مؤلفه‌های خلاقیت

منابع	ارزش	F	فرضیه DF	خطا DF	Sig	ضریب ای‌تا
اثر پیلایی	۰/۹۲	۹۱/۷۸	۴	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۹۲
لامبدای ویلکز	۰/۰۷	۹۱/۷۸	۴	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۹۲
اثر هوتلینگ	۱۱/۸۴	۹۱/۷۸	۴	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۹۲
بزرگترین ریشه‌روی	۱۱/۸۴	۹۱/۷۸	۴	۳۱	۰/۰۰۱	۰/۹۲

همان‌طور که جدول شماره ۱۱ نشان می‌دهد، نتایج تحلیل کواریانس چندمتغیری برای مقایسه بین دو گروه آزمایش و کنترل مؤلفه‌های خلاقیت نشان می‌دهد که بین دو گروه با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ اختلاف معنی‌داری وجود دارد ($P < 0.01$). یعنی اثر برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر ترکیب خطی چهار مؤلفه خلاقیت، معنی‌دار بوده است. برای اینکه مشخص شود اثر برنامه آموزشی بر روی کدام‌یک از متغیرها معنی‌دار بوده است، نتایج تحلیل کواریانس تک‌متغیری به صورت جداگانه برای هر متغیر آورده شده است.

فرضیه فرعی اول: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر مؤلفه سیالی دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی تأثیر دارد.

جدول ۱۲. نتایج تحلیل کواریانس تک‌متغیری برای مقایسه مؤلفه‌ی سیالی بین دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آزمون
مدل تصحیح‌شده	۳۸۴/۲۶	۵	۱۵۰/۷۵	۰/۰۰۱	۰/۹۵	۱/۰۰
ثابت	۲/۵۰	۱	۴/۹۰	۰/۰۳۴	۰/۱۲	۰/۵۷
پیش‌آزمون	۲۳۹/۶۲	۱	۱۸۸/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۸۴	۱/۰۰
گروه	۹۶/۲۴	۱				
خطا	۱۷/۳۳	۳۴				
کل	۴۵۰۲۴/۰۰	۴۰				

با توجه به نتایج جدول شماره ۱۲، ($F=188/78$ $P<0/01$)، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی سیالی معنی‌دار است؛ میانگین تعدیل شده این مؤلفه در گروه آزمایش ۳۵/۰۴ و در گروه کنترل ۳۱/۷۵ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای در افزایش مهارت سیالی دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی مقطع دبستان مؤثر بوده است. با توجه به اندازه اثر، ۸۴ درصد از تغییرات مؤلفه‌ی سیالی توسط برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای تبیین می‌شود.

فرضیه فرعی دوم: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر مؤلفه‌ی بسط دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی تأثیر دارد.

جدول ۱۳. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای مقایسه مؤلفه‌ی بسط بین دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آزمون
مدل تصحیح‌شده	۳۶۱/۳۵	۵	۶۷/۷۸	۰/۰۰۱	۰/۹۰	۱/۰۰
ثابت	۰/۰۰۱	۱	۰/۰۰۱	۰/۹۷	۰/۰۰۱	۰/۰۵
پیش‌آزمون	۲۸۷/۹۹	۱	۲۷۰/۱۳	۰/۰۰۱	۰/۸۸	۱/۰۰
گروه	۴۰/۱۸	۱	۳۷/۶۹	۰/۰۰۱	۰/۵۲	۱/۰۰
خطا	۳۶/۲۴	۳۴				
کل	۲۰۴۶۸/۰۰	۴۰				

با توجه به نتایج جدول شماره ۱۳ ($F=37/69$ $P<0/01$)، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی بسط معنی‌دار است. میانگین تعدیل‌شده‌ی این مؤلفه در گروه آزمایش ۲۳/۴۶ و در گروه کنترل ۲۱/۳۳ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای در افزایش مهارت بسط دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی مقطع دبستان مؤثر بوده است. با توجه به اندازه اثر، ۵۲ درصد از تغییرات مؤلفه‌ی بسط توسط برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای تبیین می‌شود.

فرضیه فرعی سوم: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر مؤلفه‌ی ابتکار دانش آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی تأثیر دارد.

جدول ۱۴. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری برای مقایسه مؤلفه‌ی ابتکار بین دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آزمون
مدل تصحیح شده	۲۰۴/۴۴	۵	۷۱/۱۸	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۱/۰۰
ثابت	۰/۰۰۹	۱	۰/۰۱۵	۰/۹۰	۰/۰۰۱	۰/۰۵
پیش آزمون	۹۹/۲۷	۱	۱۷۲/۸۳	۰/۰۰۱	۰/۸۳	۱/۰۰
گروه	۳۵/۳۶	۱	۶۱/۵۶	۰/۰۰۱	۰/۶۴	۱/۰۰
خطا	۱۹/۵۲	۳۴				
کل	۵۹۵۹۱/۰۰	۴۰				

با توجه به نتایج جدول شماره ۱۴، ($F=61/56$ ، $P<0/01$)، پس از تعدیل نمرات پیش آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی ابتکار معنی‌دار است؛ میانگین تعدیل شده این مؤلفه در گروه آزمایش ۳۹/۵۲ و در گروه کنترل ۳۷/۵۲ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای در افزایش مهارت ابتکار دانش آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی مقطع دبستان مؤثر بوده است. با توجه به اندازه اثر، ۶۴ درصد از تغییرات مؤلفه‌ی ابتکار توسط برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای تبیین می‌شد.

فرضیه فرعی چهارم: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر مؤلفه انعطاف‌پذیری دانش آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی تأثیر دارد.

جدول ۱۵. نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیری برای مقایسه مؤلفه‌ انعطاف‌پذیری بین دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر	توان آزمون
مدل تصحیح شده	۱۰۸/۴۴	۵	۷۴/۰۹	۰/۰۰۱	۰/۹۱	۱/۰۰
ثابت	۰/۳۲	۱	۱/۱۱	۰/۳۰	۰/۰۳	۰/۱۷
پیش‌آزمون		۱	۲۷۱/۱۵	۰/۰۰۱	۰/۸۸	۱/۰۰
گروه		۱	۴۳/۵۹	۰/۰۰۱	۰/۵۶	۱/۰۰
خطا		۳۴				
کل		۴۰				

با توجه به نتایج جدول شماره ۱۵، ($F=۴۳/۵۹$ $P<۰/۰۱$)، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی انعطاف‌پذیری معنی‌دار است؛ میانگین تعدیل شده‌ی این مؤلفه، در گروه آزمایش ۲۰/۷۹ و در گروه کنترل ۱۹/۶۰ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای در افزایش مهارت انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی مقطع دبستان مؤثر بوده است. با توجه به اندازه اثر، ۵۶ درصد از تغییرات مؤلفه‌ی انعطاف‌پذیری توسط برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای تبیین می‌شد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر آموزش مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر میزان خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی شهر کرج صورت پذیرفته است. به طور کلی یافته‌های پژوهش اهمیت پرداختن به آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ابتدایی را به عنوان ضرورتی مهم در عصر کنونی، نشان می‌دهد. دوره آموزش سواد رسانه‌ای مسیر را برای استفاده‌ی هوشمندانه، فعالانه و پویا از رسانه‌ها، هموار می‌کند. ارتقای این مهارت می‌تواند نقش فعال‌تری برای دانش‌آموزان در استفاده از رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال در جامعه‌ی اطلاعاتی و عصر جهانی شدن قایل شود. نتایج فرضیه‌ی اصلی نشان داد که برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم مقطع ابتدایی شهر کرج تأثیر دارد. با توجه به نتایج جدول ۴، $P < 0/01$ ، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در متغیر خلاقیت، معنی‌دار است؛ میانگین تعدیل‌شده‌ی این متغیر در گروه آزمایش ۱۱۸/۸۰ و در گروه کنترل ۱۱۰/۲۴ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی مبتنی بر برنامه سواد رسانه‌ای در افزایش خلاقیت دانش‌آموزان پایه‌ی پنجم مقطع ابتدایی مؤثر بوده است.

در کل، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های داخلی Nasiri (2011)، Taghizadeh (2014)، Ponaki et al (2016)، Fghih Aram & Ebrahimi (2016) و پژوهش‌های Thayer (2006)، Serafin (2011)، Lee (2015) همسو می‌باشد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که خلاقیت، تحت تأثیر عوامل متعددی است. به نظر می‌رسد در نظریه‌ی تورنس عامل سواد رسانه‌ای، عاملی مهم و مرتبط با خلاقیت تلقی می‌شود و از این رو، هرچه سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان ارتقاء یابد، خلاقیت آنان نیز افزایش پیدا می‌کند. اندوخته سواد رسانه‌ای، دانش‌آموزان را مجهز به ابزارهایی می‌کند که در زمینه‌ها و موقعیت‌های یکه، امکان بروز مؤلفه‌های خلاقیت از جمله بسط، ابتکار، انعطاف و سیالی وجود دارد از آن‌ها بهره می‌گیرند و توانایی‌های خود را در این چهار بُعد به نمایش می‌گذارند. طبق ارزش‌گذاری یونسکو، سواد رسانه‌ای به عنوان یک قابلیت به افراد اجازه می‌دهد تا با رسانه و دیگر ارائه‌دهندگان اطلاعات، به طور مؤثر به تعامل پردازند و خلاقیت، تفکر انتقادی و مهارت‌های آموزش مادام‌العمر دانش‌آموز را گسترش دهند (Wilson et al, 2013).

همچنین Mader (2012)؛ Piscinca (2011) نیز در پژوهش خود به این مهم دست یافتند که با افزایش سواد رسانه‌ای، خلاقیت می‌تواند توسعه و بهبود یابد. از دیگر پژوهش‌های همسو، پژوهش تقی‌زاده (2014) می‌باشد که به بررسی نقش دوره آموزش سواد رسانه‌ای بر توانایی پردازش پیام‌های رسانه‌ای دانش‌آموزان مقطع متوسطه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد دانش‌آموزان شرکت‌کننده در دوره آموزش سواد رسانه‌ای نسبت به دانش‌آموزان گروه کنترل، با ۹۹ درصد اطمینان در مهارت تفکر انتقادی و خلاقیت در استفاده از رسانه‌ها در سطح بالاتری قرار گرفتند. این در حالی است که کمیسیون اروپایی و پارلمان اروپایی یونسکو نیز معتقدند سواد رسانه‌ای، توانایی حل مسئله، خلاقیت و فراشناخت را تقویت می‌کند.

فرضیه فرعی اول: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر مؤلفه سیالی دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی تأثیر دارد. با توجه به نتایج جدول شماره ۸، $(F=188/78 P<0/01)$ ، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی سیالی معنی‌دار است؛ میانگین تعدیل شده این مؤلفه در گروه آزمایش ۳۵/۰۴ و در گروه کنترل ۳۱/۷۵ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای در افزایش مهارت سیالی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی مقطع دبستان مؤثر بوده است.

در کل نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های Nasiri (2011)، Taghizadeh (2014)، Esmail ponaki et al (2015)، Fghih Aram & Ebrahimi (2016) و پژوهش‌های Thayer (2006)، Serafin (2011)، Lee et al (2015) همسو می‌باشد.

بر اساس یافته‌های Fghih Aram & Ebrahimi (2016)، رابطه بین سواد رسانه‌ای و سواد اطلاعاتی با مؤلفه‌های خلاقیت یعنی سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. توانایی تولید تعداد بی‌شماری ایده و خلاقیت، به زمینه یا شرایطی که افراد در آن قرار دارند، وابسته است. در پژوهش حاضر نیز به زعم پژوهشگر، یکی از راه‌های تقویت و توسعه اندیشه و خلاقیت، زمینه‌سازی برای رشد سواد رسانه‌ای است. نتایج پژوهش‌های Serafin (2011) و Shobiri (2013) استفاده از روش‌های مختلف آموزش سواد رسانه‌ای را تایید کردند. این پژوهش‌ها با بررسی کشورهای الگو در زمینه آموزش سواد رسانه‌ای به این نتیجه دست یافت که استفاده از قالب‌های متنوع آموزشی همچون فیلم، کلیپ، پاورپوینت، صوت و بازی‌های

ویدئویی مخاطبان بیشتری را به خود جذب می‌کنند و این ابداعات در امر آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند این آموزش را تسهیل و تسریع بخشد، چنان‌که استفاده بیش از حد از قالب یکنواخت متن (نوشتار) برای آموزش سواد رسانه‌ای نمی‌تواند در جذب مخاطب چندان موفق باشد. یافته‌های پژوهش Sur et al (2014) معنادار بودن میزان درک و استنباط و توانایی تولید ایده‌های نو و جدید در دانش‌آموزان از رسانه‌ها بعد از دوره آموزشی نسبت به قبل از دوره آموزشی از دید معلمان را نشان داد.

فرضیه فرعی ۲: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی در مؤلفه "بسط" تاثیر دارد. با توجه به نتایج جدول شماره ۹، ($F=37/69$ $P<0/01$)، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌ی بسط، معنی‌دار است. میانگین تعدیل شده این مؤلفه در گروه آزمایش $23/46$ و در گروه کنترل $21/33$ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای در افزایش مهارت بسط دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی مقطع دبستان مؤثر بوده است. به طور کلی، از ویژگی‌های بارز انسان و محور اساسی حیات او، قدرت اندیشه و توسعه و بسط شناخت است. انسان در طول زندگی خویش هرگز از تفکر و اندیشه فارغ نبوده است و با نیروی تفکر صحیح، تصمیم گرفته و توانسته است به حل مسائل و مشکلات بپردازد و به رشد و تعالی نائل شود. بنابراین، تمام موقعیت‌ها و پیشرفت‌های انسان در گروه اندیشه بارور، پویا و مؤثر اوست (Phan, 2010). در تبیین این یافته می‌توان گفت که سواد رسانه‌ای بیشتر روی ساختارهای دانش و آگاهی قدم برمی‌دارد. در واقع دانش‌آموزان معمولاً فکر می‌کنند که چیزهای زیادی می‌دانند و آن‌هم به دلیل صرف وقت در کانال‌های رسانه‌ای و تأثیرات ویژه‌ی تصاویر است. حتی از درک اولیه صنعت رسانه‌ای و اثرات آن بی‌خبرند. تعداد کمی از آن‌ها قادرند منافع و یا طبیعت اقتصادی رسانه را معنا کنند. تعداد کمی از آن‌ها می‌دانند که رسانه در بینش آن‌ها مؤثر است و بدان شکل می‌دهد. به عبارتی، آموزش سواد رسانه‌ای، مهارت استفاده درست و مفید از اطلاعات و پیام‌های رسانه‌ای را به مخاطب می‌دهد و با توانمندسازی و ایجاد توانایی بسط و گسترش دانش شناختی وی، نوعی مصونیت بخشی را تقویت و قدرت استفاده بخردانه و اخلاقی در برخورد با پیام‌های رسانه‌ای را ارتقا می‌بخشد.

Lee et al (2015) در پژوهشی با عنوان درک و بسط سواد رسانه‌ای، اظهار داشتند با توجه به توسعه و گسترش سریع فن‌آوری جدید به بسیاری از جنبه‌های زندگی روزمره ما، استفاده از این فن‌آوری‌ها، نیازمند بهره‌گیری از سواد رسانه‌ای مناسب و همسو با آن است. داده‌های جمع‌آوری شده از ۵۷۴ دانش‌آموز سنگاپوری ۱۰-۱۷ ساله نشان داد که حد سواد رسانه‌ای آنان در وضعیت مطلوبی قرار داشته است.

فرضیه فرعی ۴: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی در مؤلفه "قابلیت ابتکار" تأثیر دارد. با توجه به نتایج جدول ۱۰، $P < 0/01$ ، $F = 61/56$ ، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه ابتکار معنی‌دار است. میانگین تعدیل شده این مؤلفه در گروه آزمایش ۳۹/۵۲ و در گروه کنترل ۳۷/۵۲ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود. ابتکار یعنی توانایی تولید ایده‌هایی که از ایده‌های عادی و رایج متفاوت است. توانمندسازی دانش‌آموزان برای زیستن در عصر کنونی، از وظایف نهاد آموزش و پرورش است. این نهاد، زیربنای توسعه و پیشرفت محسوب می‌شود و معماران فردای کشور را تربیت می‌کند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که سواد رسانه‌ای، ترکیبی از دانش‌ها، نگرش‌ها، مهارت‌ها و تجربیات مورد نیاز برای دستیابی، تحلیل، ارزیابی، ترکیب و ابتکار، استفاده، تولید و برقراری ارتباط با اطلاعات و دانش به صورت خلاقانه، با تأکید بر حقوق انسان‌هاست. سواد اطلاعاتی به زعم بسیاری، از عناصر اساسی و ملزومات ضروری زندگی در عصر حاضر است (Ivanovic, 2014). در سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق چشم‌انداز (2011)، به زمینه‌سازی برای مدیریت بهینه‌ی محیط رسانه‌ای و کمک به ترویج و تعمیق سواد رسانه‌ای و بهره‌برداری مناسب از محیط نوظهور یادگیری اشاره شده است. همچنین طبق برنامه ملی درسی (2011) نهاد تعلیم و تربیت وظیفه دارد با پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه و مطالبات اجتماعی، رسالت تربیتی خود را به درستی ایفاء کند. در این برنامه بر سواد رسانه‌ای تأکید شده است.

فرضیه فرعی ۴: برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای بر خلاقیت دانش‌آموزان پایه پنجم مقطع ابتدایی در مؤلفه "قابلیت انعطاف‌پذیری" تأثیر دارد. با توجه به نتایج جدول ۱۱، $P < 0/01$ ، $F = 43/59$ ، پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه انعطاف‌پذیری معنی‌دار است.

میانگین تعدیل شده‌ی این مؤلفه در گروه آزمایش ۲۰/۷۹ و در گروه کنترل ۱۹/۶۰ بود که میانگین گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل بود. انعطاف‌پذیری یعنی توانایی تولید انواع گوناگون و متنوع ایده‌ها در قالب تصویر و ارائه‌ی راه حل‌های نو. با در نظر گرفتن محدودیت‌های پژوهش می‌توان گفت که برنامه آموزشی مبتنی بر سواد رسانه‌ای در افزایش مولفه‌ی انعطاف‌پذیری دانش آموزان پایه‌ی پنجم ابتدایی مقطع دبستان مؤثر بوده است. از این رو افراد دارای سواد رسانه‌ای می‌توانند انواع مختلف رسانه‌ها، منابع و مجراهای اطلاعاتی را در زندگی خصوصی، شغلی و عمومی خود به کار برند. آن‌ها می‌دانند چه موقع به چه اطلاعاتی نیاز دارند و برای چه، کجا و چگونه می‌توانند به آن دست پیدا کنند. همچنین درک می‌کنند که چه کسی و چرا اطلاعات را تولید کرده و یا نقش، مسئولیت و عملکرد رسانه و فراهم‌کنندگان اطلاعات چیست. آن‌ها می‌توانند اطلاعات، پیام‌ها، اعتقادات و ارزش‌هایی را که در رسانه یا هر تولیدکننده‌ی دیگر محتوا نقل شده، تحلیل و ارزش‌گذاری کنند (Ashrafi rizi et al, 2013).

به طور کلی یافته‌های پژوهش اهمیت پرداختن به آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس ابتدایی را به عنوان ضرورتی مهم در عصر کنونی، نشان می‌دهد. دوره آموزش سواد رسانه‌ای مسیر را برای استفاده هوش‌مندانه، فعالانه و پویا از رسانه‌ها هموار می‌کند. ارتقای این مهارت می‌تواند نقش فعال‌تری برای دانش‌آموزان در استفاده از رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه‌های دیجیتال در جامعه اطلاعاتی و عصر جهانی شدن، قائل شود. همچنین باید یادآور شد که با توجه به سند نظام جامع تحول در آموزش و پرورش و توجه به مسئله‌ی ارتقای سواد رسانه‌ای دانش‌آموزان به عنوان یک نیاز جدی و کاربردی در این سند، ارائه‌ی الگویی برای آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان می‌تواند آموزش و پرورش را در رسیدن به این هدف یاری رساند. یکی دیگر از دلایل اصلی عدم آشنایی دانش‌آموزان با مقوله‌ی سواد رسانه‌ای، نبود آموزش در مدارس بوده و آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان سبب خواهد شد تا آن‌ها بتوانند بهتر و هدف‌مندتر از رسانه‌ها استفاده کنند و به مخاطبانی فعال در مصرف رسانه‌ها، تبدیل شوند (Mahmoodi kohkandeh, 2011).

از سویی دیگر موسوی (2011) در پژوهش خود نشان داد پایین بودن سطح سواد رسانه‌ای معلمان نیز در نگاه انتقادی دانش‌آموزان به رسانه‌ها، مؤثر است و می‌تواند در نحوه‌ی مواجهه دانش‌آموزان با رسانه‌ها، تأثیر داشته باشد. بر این اساس می‌توان اظهار داشت که وزارت آموزش و پرورش، نقشی کلیدی در زمینه‌ی آموزش سواد رسانه‌ای به دانش‌آموزان نوجوان دارد.

همچنین از آنجایی که در تحقیقات انجام شده، مشخص گردیده که عدم ارائه‌ی آموزشی یک‌پارچه در حوزه‌ی سواد رسانه‌ای، که توانسته باشد توانمندی‌های انتقادی لازم را به طور منسجم و هماهنگ ارتقاء بخشد، کاملاً محسوس است. بنابراین اهمیت و ضرورت‌های بیان شده، لازم است گام‌های هدف‌مندی توسط دانشگاهیان و پژوهشگران حوزه ارتباطات و تعلیم و تربیت در جهت استخراج و تدوین الگوی بومی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان در ایران برداشته شود تا نهادهایی همچون وزارت آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما بتوانند از ادبیات بومی و کاربردی تولیدشده، در راستای آموزش سواد رسانه‌ای بهره لازم را ببرند.

بنابراین همان‌گونه که برای یادگیری هرچه بهتر دانش‌آموزان در زمینه‌ی آموزش‌های مورد نیاز متناسب با سن و فرهنگ بومی‌مان برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته است. برای ارتقای سواد رسانه‌ای آن‌ها نیز باید با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی کشورمان، برنامه‌ها و الگوهای تدوین شود تا دانش‌آموزان این نوع از سواد را نیز بیاموزند و در زندگی روزمره از آن بهره بگیرند؛ چراکه بدون یادگیری سواد رسانه‌ای، نمی‌توان گزینش‌های صحیحی از پیام‌های رسانه‌ای داشت و خود را در برابر این پیام‌ها بیمه کرد. با نگاهی گذرا به تجربه‌ی کشورهای که به مقوله‌ی آموزش سواد رسانه‌ای پرداخته‌اند، درمی‌یابیم که بسیاری از آن‌ها آموزش سواد رسانه‌ای را از دوران کودکی و نوجوانی و از پایه شروع کرده‌اند و این دوران را بهترین زمان برای آغاز آموزش می‌دانند و با گنجاندن موضوع سواد رسانه‌ای در عناوین رسمی، به آموزش‌های لازم در این زمینه پرداخته‌اند. در واقع آن‌ها بر این باورند که در دنیای امروز، نظام آموزش و پرورش، همان‌طور که در مقابل سواد خواندن و نوشتن کودکان و نوجوانان مسئول است، در برابر آموزش سواد رسانه‌ای آن‌ها نیز با کمک متخصصان و نهادهای حرفه‌ای، مسئولیت خطیری بر عهده دارد.

References

- Al-Mamary, Y. H., Shamsuddin, A., & Abdul Hamid, N. A. (2015). The pilot test study of relationship between management information systems success factors and organizational performance at Sabafon Company in Yemen. *International Journal of u-and e-Service, Science and Technology*, 8(2), 337-346.
- Ashrafi Rizi, H; Ramezani, A; Aqajani, H & Kazempour, Z. (2013). Study of the Media and Information Literacy of Students of Isfahan University of Medical Sciences. *Quarterly Journal of Information Systems and Services*, 2 (6), 17-34. (in Persian).
- Brian O.N. (2010). Media literacy and communication rights ethical individualism in the new media environment. *International Communication Gazette*, 72(4-5), 323-338.
- Chaboki, R. (2013). Analysis of Media Literacy Policies in Three Iranian Cultural and Relations Institutions. *Media and Culture*, 15 (6), 1-26. (in Persian).
- Document of the Strategic Transformation of the Official Public Education System of the Islamic Republic of Iran in the Perspective. (2011). Approved by the Supreme Council of the Cultural Revolution. Tehran: Ministry of Education and Science. . (in Persian).
- Dondlinger, M. J., & Wilson, D. A. (2012). Creating an alternate reality: Critical, creative, and empathic thinking generated in the Global Village Playground capstone experience. *Thinking Skills and Creativity*, 7(3), 153-164.
- Faghih Aram, B & Ebrahimi, Z. (2017). The relationship between media literacy and information literacy with the metacognitive skill and creativity of Islamic Azad University of Islamshahr students. *Communications research*, 24 (92), 125-152. (in Persian).
- Gabora, L., & Tseng, S. (2017). The social benefits of balancing creativity and imitation: Evidence from an agent-based model. *Psychology of Aesthetics, Creativity, and the Arts*, 11(4), 403-412.
- Khazaei, K&Jalilian, N. (2014). The Effect of Educational Computer Games on Primary School Students Achievement and Creativity. *Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Education*,5(2), 23-39. (in Persian).
- Koc, M., & Barut, E. (2016). Development and validation of New Media Literacy Scale (NMLS) for university students. *Computers in human behavior*, 63, 834-843.
- Lee, A. Y. (2016). Media education in the School 2.0 era: Teaching media literacy through laptop computers and iPads. *Global Media and China*, 1(4), 435-449.
- Lee, L., Chen, D. T., Li, J. Y., & Lin, T. B. (2015). Understanding new media literacy: The development of a measuring instrument. *Computers & Education*, 85, 84-93.
- Mader, S. (2012). Transforming Students into Scholars: Creating MIL Competencies Through Communicating Research. Paper Presented at the International Conference on Media and Information Literacy for Knowledge Societies, Moscow, Russian Federation.

- Mahmoodi Kokande, S. M. (2011). The study of the necessity of educating the media of children and adolescents from the viewpoint of specialists in the field of education. Master's thesis, Islamic Azad University, Tehran. (in Persian).
- Moeller, S.; Joseph, A.; Lau, J. & Carbo, T. (2011). Towards Media and Information Literacy Indicators. Paris: UNESCO.
- Mousavi Anzaki, S. M. (2012). The Effect of Teacher's Media Literacy on the Development of Reflective Student Reflection Model. Master's thesis, Islamic Azad University, Tehran. (in Persian).
- Nasiri, B; Aghili, S. V. (2012). Study of Media Literacy Education in Canada and Japan. Quarterly Journal of Educational Innovations, 11 (41), 138-159. (in Persian).
- Niyazi, L., Zaraii Zavaraki, E & Aliabadi, Kh. (2016). Effect of ICT-based education on knowledge and critical thinking of second grade elementary students in Tehran. Master thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaei University. . (in Persian).
- NorooziD., Zamen F., Sharafzadeh, S. (2014). The Effect of Using Educational Software on Students' Active Learning of Mathematics: A Constructivist Approach. Quarterly Journal of Information and Communication Technology in Education, 4(3), 5-23. (in Persian).
- Phan, H. P. (2010). Critical thinking as a self-regulatory process component in teaching and learning. *Psicothema*, 22(2), 284-292.
- Pounaki E, Esmaili Givi M R, Fahimnia F. (2016). Media Literacy and Information Literacy and its Impact on Entrepreneurial Ability. *Human Info Interact.* 2 (4), 64-76.
- Radmanesh, N., Jamshidiyan, A., Rajaepour, S. (2016). A study of the relationship between information literacy and the creativity rate of high school teachers in Khomeinishahr. , 9(32), 7-18.
- Salavatian,S., Hosseini, H & Motajadi, S. (2016). Proposing a Model for Teaching Media Literacy to Teenagers. , 5(10), 50-75.
- Serafin, M. (2011). Media mindfulness Developing the ability and motivation to process advertisements, ProQuest, UMI Dissertation Publishing.
- Shin, S. J., Kim, T. Y., Lee, J. Y., & Bian, L. (2012). Cognitive team diversity and individual team member creativity: A cross-level interaction. *Academy of Management Journal*, 55(1), 197-212.
- Shobeiri, H. (2011). Media literacy training in cyberspace, comparison of the Media website of Kandma, and the Iranian media literacy website. Master of Science (MSc), Allameh Tabataba'i University, Faculty of Social Sciences, Department of Communication. (in Persian).
- Singh, J.(2012). Placing Media and Information Literacy at the Core of Instruction. *Media and Information Literacy for Knowledge Societies*, 168.

- Solomon, S; Khosravi, F; Haddad, Z. (2013). Assessment of Media Literacy among Students and Students in Tehran. *World Media Magazine*, 8 (2): 52-74. . (in Persian).
- Sur, E., Ünal, E., & Iseries, K. (2014). Primary School Second Grade Teachers' and Students' Opinions on Media Literacy. *Creencias sobre alfabetización mediática en profesores y estudiantes de Educación Primaria. Comunicar*, 21(42), 119-127.
- Taghizadeh, A.(2013). The role of media literacy training on the ability to process media messages for high school students. Ph.D. thesis, Allameh Tabatabaee University, Faculty of Social Sciences, Department of Communication. (in Persian).
- Techataweewan, W., & Prasertsin, U. (2018). Development of digital literacy indicators for Thai undergraduate students using mixed method research. *Kasetsart Journal of Social Sciences*, 39(2), 215-221.
- Thayer, C. M. (2006). The impact of a media literacy program on critical thinking and writing in a high school TV production classroom. ProQuest.
- Toluy, A. (2012). *Media Literacy, Income on Learning and Measurement*. Tehran: Office of Media Studies and Planning. (in Persian).
- Udo, G. J., Bagchi, K. K., & Kirs, P. J. (2011). Using SERVQUAL to assess the quality of e-learning experience. *Computers in Human Behavior*, 27(3),1272-1283.
- UNESCO-Paris agenda. (2007). *The Paris Agenda.Recommendations for Media Education*.
- UNESSCO. (2011). *Media and Information Literacy curriculum for Teacher*, Edited: Carolyn Wilson, Alton Grizzle, Ramon Tuazon, Kwame Akyempong,Chi-Kim Cheung.
- Wilson, C. (2012). *Media and Information Literacy: Pedagogy and Possibilities. Comunicar*,20(39), 15-22.
- Wilson, C. (2012). *Media and information literacy: Pedagogy and possibilities. Comunicar: Revista Científica de Comunicación y Educación*, 20(39), 15-24.
- Wilson, C.; Grizzle, A.; Tuazon, R.; Akyempong, K. & Cheung, C. K. (2013). *Media and Information Literacy Curriculum for Teachers*. UNESCO.

